

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به نشریه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه تبریز می‌باشد.
این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع 4 CC BY است.

شناسایی آسیب‌های اجتماعی حاشیه‌نشینی در شهر بناب (مورد مطالعه: محله‌های ایران گاراژ (دیزج جنوبی)، دیزج آلمالو (دیزج شمالی) و آغداش)

<https://sociology.tabrizu.ac.ir>

DOI:10.22034/jeds.2024.59700.1777 شناسه دیجیتال:

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰

سعید سلطانی بهرام^{۱*}

خدیجه علیایی^۲

جواد جهانگیرزاده^۳

چکیده

امروزه، حاشیه‌نشینی و گسترش مناطق حاشیه‌ای از مهمترین دغدغه‌ها و مسائل اجتماعی کشورهای در حال توسعه بوده که این امر منجر به شکل‌گیری سکونت‌گاه‌های غیررسمی و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن شده است. گسترش حاشیه‌نشینی در سطح خرد موجب ایجاد اختلال در امنیت روانی ساکنان شهرها و در سطح کلان موجب ایجاد انواع آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی می‌شود. از این‌رو، تحقیق حاضر به بررسی آسیب‌های اجتماعی حاشیه‌نشینی در شهر بناب پرداخته است. پژوهش حاضر از نوع روش تحقیق کیفی و مبتنی بر نظریه داده بنیاد بوده و برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته استفاده شده است. جامعه آماری مورد مطالعه محله‌های حاشیه‌نشین آغداش، دیزج جنوبی (ایران گاراژ)، دیزج شمالی (محله المالو) شهر بناب بوده که ۴۱ نفر از آنها به شکل نمونه‌گیری هدفمند مورد مصاحبه قرار گرفته و اشباع نظری حاصل شده است. بررسی و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده حاکی از آن است که افراد ساکن در محلات حاشیه‌نشین به خاطر نبود آگاهی، مهارت و تخصص به مشاغل غیررسمی مانند خرید و فروش مواد مخدر، مشروبات الکلی، کارگری و فرش بافی مشغول هستند و همچنین از علل عمده آسیب‌های اجتماعی در این محلات، می‌توان به مواردی نظیر نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، در دسترس بودن مواد مخدر و فقدان برنامه صحیح جهت پر کردن اوقات فراغت اشاره کرد. سطح پایین سواد خانواده‌ها و معتاد بودن پدر و مادر و ترک تحصیل به خاطر فقر اقتصادی، باعث ایجاد پدیده‌ای به نام کودکان کار شده است. همچنین، فقدان مراکز فرهنگی و آموزشی باعث ایجاد بزهکاری در این مناطق شده است.

واژگان کلیدی: حاشیه‌نشینی، آسیب‌های اجتماعی، کودکان کار، انسان آزرده، شهر بناب

۱. استادیار جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول). s.soltani@umia.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. Khadijeh.Oliayi1993@gmail.com

۳. استادیار جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. j.jahangirzadeh@umia.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

توسعه شهری سریع یکی از مهمترین مسائل اجتماعی کشورهای در حال توسعه بعد از جنگ جهانی دوم است. در حال حاضر ۸۰ درصد شهرهای بزرگ در کشورهای در حال توسعه قرار دارد و ۶۰ درصد از آنها حاشیه‌نشین هستند که این حاشیه‌ها شرایط فقر محیطی، ازدحام جمعیت و بهداشت ضعیفی را نمایش می‌دهند. بر اساس آمار برنامه اسکان بشری سازمان ملل (۲۰۰۳)، از هر سه نفر در جهان یک نفر در خلال ۳۰ سال آینده زندگی خود را در مناطق حاشیه شهرها و سکونتگاه‌های غیرقانونی طی می‌کند (طالشی و امیرفخریان، ۱۳۹۰: ۸۴). حاشیه‌نشینی یک معضل جهانی است. پیدایش این مسئله اگر چه به شهرها و کشورهای صنعتی و غربی نسبت داده می‌شود، اما سهم عمده جمعیت حاشیه‌نشینی دنیا در حال حاضر در شهرها و کشورهای در حال توسعه وجود دارد (زنجانی، ۱۳۷۱: ۵). امروزه این پدیده مختص تهران و چند شهر بزرگ ایران نیست. بلکه اکثر شهرهای کشور به نوعی با معضل حاشیه‌نشینی و رشد سکونتگاه‌های غیررسمی مواجه هستند (محسنی، ۱۳۸۹: ۱۳۵). ساخت و سازهای غیرمجاز و ایجاد مناطق مسکونی حاشیه‌نشینی که دیر یا زود ساکنان آن هم حق خود را از امکانات شهری طلب خواهد کرد، مشکلاتی را برای مدیریت شهری به ویژه شهرداری‌ها ایجاد می‌کند. اختلال در شبکه آمد و شد شهری، افزایش بیماری‌ها، آلودگی محیط زیست شهری، نارسایی در شبکه آب و فاضلاب و بسیاری مشکلات دیگر از جمله پیامدهای حاشیه‌نشینی بر پیکره شهری خواهد بود. از دیگر پیامدهای نامطلوب حاشیه‌نشینی می‌توان اشتغال افراد حاشیه‌نشین در مشاغل غیررسمی و کاذب، وجود ساخت و سازهای غیرمجاز، عدم توانایی شهرداری‌ها در ارائه خدمات مناسب به این مناطق، اثرات نامطلوب فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مناطق بر کل سیستم شهری، افزایش جرم و انحرافات در این مناطق همه و همه از جمله آثار مخرب و مضر حاشیه‌نشینی بر روی ساکنان آن مناطق و دیگر افراد و ساکنان در شهرهای بزرگ هستند (زنگی‌آبادی، ۱۳۹۱: ۶۸) از طرف دیگر، حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی گروه‌های کم درآمد شهری جلوه‌ای از فقر شهری است. حاشیه‌نشینی در اشکال متفاوت آن از آلونک‌ها و زاغه‌های درون شهر تا سکونتگاه‌های غیررسمی پیرامون آن و در مکان‌ها و زمان‌های متفاوت تنها بر اساس محرومیت شدید و مستمر از معیارهای متعارف و استاندارد کیفیت زندگی شهری و مسکن، زیرساخت‌ها و خدمات قابل تشخیص و تعریف است.

در تعریف حاشیه‌نشینی دو مفهوم جغرافیایی و اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی به هم گره خورده است؛ در زمینه جغرافیایی، حاشیه‌نشینی دلالت بر شکل‌گیری و گسترش سکونتگاه‌های فقیرنشین در پیرامون شهر نسبت به مکان‌های نامناسب شهری دارد. مفهوم اقتصادی و اجتماعی آن بیانگر نبود شرایط جذب و ادغام گروه‌های اجتماعی ساکن در این محله‌ها در نظام اقتصادی - اجتماعی شهر است (ایراندوست، ۱۳۹۵: ۲۶۶). منظور از حاشیه‌نشینی نوعی زیست شهری است که تعدادی خانوار در حومه شهرها مسکن نامناسب مرکز جمعیتی یا شهرک ماندنی را به وجود آورند. در فرهنگ شهر و شهرنشینی حاشیه‌نشینی مترادف با مفاهیمی چون زاغه نشینی و آلونک

نشینی نیز به کار رفته است (شکویی، ۱۳۹۴). از نظر مارشال کلینارد، حاشیه‌نشینی خرده فرهنگی مجموعه از ارزش‌ها و هنجارها هست که محلی با بهداشت کم، انحرافات اجتماعی و ویژگی‌های دیگر از جمله از انزوای اجتماعی همراه است (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۳). حاشیه‌نشین شامل تمام کسانی است که در محدوده فضایی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، شهر حضور و سکونت دارند. ولی نحوه اسکان و معیشت آنها از جمله شهری کامل متمایز کرده است.

تاریخچه حاشیه‌نشینی در جهان به نوعی به انقلاب صنعتی و به تبع آن به رشد شهرها گره خورده است. حاشیه‌نشینی چه در کشورهای توسعه یافته و چه در کشورهای در حال توسعه، مستقیماً متأثر از نحوه صنعتی شدن شهرها بوده است. شروع پدیده حاشیه‌نشینی در ایران از دهه ۳۰ همزمان با آغاز مهاجرت روستائیان به شهرها آغاز شد و از دهه ۴۰ به بعد بر اثر اصلاحات ارضی و سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی روند رو به رشدی را به خود گرفت که تا به امروز ادامه دارد (نظریان و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۶ و علیزاده‌آقدم و محمدامینی، ۱۳۹۱: ۱۲۲). همچنین، افزایش سطح رفاه جامعه شهری و تمرکز خدمات در شهر به حاشیه رانده شدن روستائیان و عشایر و در نتیجه موجب مهاجرت آنها به شهر و روی آوردن به زندگی حاشیه‌نشینی شده است (پیران، ۱۳۸۰: ۳۱).

سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی در هر مسئله‌ای نیازمند شناخت دقیق علمی موضوع و مسئله مورد نظر است تا بتوان بر اساس این شناخت و درک علمی، اقدامات و راهبردهای لازم را طراحی نمود. در حوزه مسائل مرتبط با حاشیه‌نشینی سیاست‌گذاری امری پیچیده است. باید توجه داشت کنترل حاشیه‌نشینی نیاز به برنامه‌ریزی آینده‌نگر دارد زیرا برنامه‌ریزی‌های مقطعی و اقدامات ضربتی نمی‌تواند حل‌کننده مشکلات ناشی از مسائل در حال رشد حاشیه‌نشینی شهرها باشد. در شهر بناب هم تاکنون تلاش‌های متعددی در حوزه برنامه‌ریزی و مدیریت حاشیه‌نشینی صورت گرفته است اما نکته اساسی نبود نگاه راهبردی و داشتن چشم‌انداز روشن برای تداوم مدیریت و کنترل حاشیه‌نشینی بوده است (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۸). بنابراین، شناسایی آسیب‌های اجتماعی ناشی از حاشیه‌نشینی از مهمترین مسائل شهری است که مدیران شهری باید آن را مورد توجه قرار دهند زیرا تجمع و تراکم آسیب‌های اجتماعی در هر شهر و جامعه می‌تواند انسجام و همبستگی آن را مورد تهدید قرار دهد (هادیزاده‌باز، ۱۳۸۴).

مسئله اصلی مبتنی بر گرایش آسیب‌های اجتماعی در فضاهایی است که حاشیه‌نشینی (شکل مسلط اسکان غیررسمی) در آنها به چشم می‌آید. به همین سبب شناسایی آسیب‌های اجتماعی ناشی از حاشیه‌نشینی و دلایل آنها در مناطق حاشیه‌نشینی شهرستان بناب مسئله اصلی است که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود و راهکارهایی جهت بهبود و کاهش آسیب‌های منطقه ارائه می‌گردد. بر این اساس، این پرسش مطرح است که مناطق حاشیه‌نشینی در

شهرستان بناب با چه آسیب‌های اجتماعی روبرو بوده‌اند؟ راهبردها و راهکارهای مدیریت و کنترل آسیب‌های اجتماعی ناشی از حاشیه‌نشینی کدامند؟

پیشینه تحقیق

اولین بار اصطلاح حاشیه‌نشینی توسط رابرت پارک^۱ از بزرگان مکتب جامعه‌شناسی شیکاگو به کار برده شده است. وی در مقاله «مهاجرت بشر و انسان حاشیه‌نشین» حاشیه‌نشینی را نتیجه عملکردهای اقتصادی و سیاسی عنوان کرد (حیدری نوشهر و نظریان، ۱۳۹۰: ۳۳). پس از پارک، شاگرد او ایورت استونکوئیست^۲ بسط بیشتری به نظریه حاشیه‌نشینی داد و کوشش کرد تا تصویر روشن‌تری از انسان‌هایی که در موقعیت حاشیه‌نشینی قرار می‌گیرند ارائه دهد. وی نیز با تاکید بر جنبه‌های روانی حاشیه‌نشینی، انسان حاشیه‌نشین را شخصیتی می‌داند که در ورطه ناباوری و عدم پیوستگی کامل میان دو جامعه، دو فرهنگ یا دو نظام اجتماعی زندگی می‌کند ولی نسبت به هیچکدام احساس کامل پیوستگی عاطفی و فرهنگی یا عضویت اجتماعی ندارد (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۸). حاشیه‌نشینی و زاغه‌نشینی پدیده‌ای است که بعد از انقلاب صنعتی همراه با توسعه شهرها در کشورهای پیشرفته سپس در کشورهای در حال توسعه گسترش بیشتری یافته و در حال حاضر نیز ادامه دارد. به طور کلی حاشیه‌نشینی در متون تخصصی علوم مرتبط به اجتماع و شهر با عناوین دیگر چون اسکان غیررسمی، اسکان‌های ناپهنجار و یا نابسامان، آلونک و زاغه‌نشینی اصطلاحاتی از این دست خوانده شده است. عده‌ای براین باور هستند که حاشیه‌نشینان کسانی هستند که در سکونتگاه‌های غیرمتعارف با ساکنین بافت اصلی شهر زندگی می‌کنند. گروه‌های مزبور بیشتر بر اثر دافعه خاستگاه چون فقر و بیکاری و کمتر عوامل جاذبه شهری، از زادگاه خود (ایل، روستا یا شهر) رانده شده یا به شهر روی آوردند. از آنجا که این گروه‌ها بی‌سواد بوده و مهارت لازم را جهت جذب در بازار کار شهر را ندارند، عامل پسران شهری نیز آنها را از شهر رانده و به حاشیه کشانده است (رضایی و کمانداری، ۱۳۹۳: ۱۸۳). فرانک^۳ از متفکران نامی وابستگی درباره حاشیه‌نشینی می‌گوید جمعیت شناور در شهرها، از جمله روستائیان تهی‌دست مهاجر ساختار، روابط و کارکردهای اجتماعی متضادی در شهرها برآورده‌اند. مهاجرین در جامعه شهری جذب و ادغام نشدند و در فضاهایی زندگی می‌کنند که فاقد ساختار سکونت‌ی متعارف می‌باشد. اینان بر روی زمین دیگران سکونتگاه‌های نامتعارف شهری را پدید آورده‌اند و در عین حال مأمی هم برای مهاجران تازه وارد است. حسین زاده دلیر در تعریف حاشیه‌نشینی می‌نویسد حاشیه‌نشینی به محله مسکونی غیرمتعارف شهر اطلاق می‌شود. جایی که در آن خیابان‌ها و کوچه‌های کثیف و ویران بوده و از نظم رایج در بستر اصلی

1. Robert E. Park
2. Everett Stonequist
3. Andre Gunder Frank

شهر خبری نیست. حاشیه‌نشینی در رابطه مستقیم با کمبود زمین شهری و قحطی مسکن است (حاجی یوسفی، ۱۳۸۲: ۱۸۴).

حاشیه‌نشینی، پیامد انقلاب صنعتی و نتیجه صنعتی شدن شتابان و نابرابری‌های منطقه‌ای بوده و از جلوه‌های بارز فقر شهری است که در شکلی برنامه‌ریزی نشده خودرو، و در درون یا اطراف شهرها ظاهر می‌شود. شروع حاشیه‌نشینی در ایران را می‌توان در دهه‌های نخستین قرن حاضر و به خصوص دهه ۱۳۴۰ دانست (امیری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۲). به صورت کلی، هفت ویژگی را برای مناطق حاشیه‌نشین می‌توان نام برد: عموماً غیرقانونی هستند. غالباً خلق‌الساعه می‌باشند. معمولاً به وسیله خود ساکنان ساخته شده‌اند. فاقد خدمات شهری مانند راه آسفالت، برق و سیستم دفع فاضلاب هستند. توسعه آنها بدون برنامه‌ریزی و به صورت اتفاقی صورت می‌گیرد. معمولاً در مناطق نامناسب شهری مانند حواشی کارخانه‌ها تشکیل می‌شوند. جمعیت متراکم دارند که از خانوارهای پرجمعیت تشکیل شده است (Rodriguez, 2005). به صورت کلی، دو نظریه به عنوان چارچوب مفهومی برای بررسی مسائل حاشیه‌نشینی مورد استفاده قرار می‌گیرد. نخست؛ نظریه لیبرال، که بسیاری از محققان لیبرالیسم، از معتقدان مکتب کارکردگرایی، علت عمده حاشیه‌نشینی را ناشی از کارکرد جاذبه‌های شهری و دافعه‌های روستایی به شمار می‌آورند. به نظر آنها افزایش جمعیت یکی از علل مهمی است که زمینه را برای مهاجرت مازاد نیروی کار روستایی فراهم می‌آورد. دوم؛ نظریه ساختارگرایی، نظریه‌پردازان مکتب وابستگی و ساختارگرایان، مانند فرانک، عقب ماندگی کشورهای در حال توسعه را معلول تسلط اقتصادی کشورهای توسعه یافته کنونی می‌دانستند. آنها برآن بودند که الگوی توسعه‌ای وابسته و جریان صنعتی وابسته، شهرنشینی شتابان و ناهمگون را به دنبال دارد که به موازات آن روش نامتعادل و نابرابر درآمدها افزایش می‌یابد و عدم تعادل ساختاری جامعه شدت می‌یابد که بر این عملکرد توسعه وابسته پیدایش شکاف طبقاتی میان شهر و روستا و در نتیجه ظهور گروه‌های حاشیه‌نشینی شهر می‌باشد (امیری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۲).

با بررسی مکتب‌های رایج در زمینه حاشیه‌نشینی، نظریاتی که به دلایل شکل‌گیری و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی پرداخته به سه دسته لیبرال، بنیادگرا، جامعه‌گرا قابل تقسیم است (رضایی و کمانداری، ۱۳۹۳: ۱۸۵). بر اساس دیدگاه لیبرال، مهمترین دلیل شکل‌گیری این سکونتگاه‌ها عامل جمعیتی و مهاجرتی است. از نظر این مکتب در مرحله‌ای از توسعه جوامع مازاد نیروی کار و تولید به وجود می‌آید. از این رو موجی از مهاجرت که طبیعی به نظر می‌رسد، از روستاها به شهرها آغاز می‌شود. این جمعیت وقتی به شهرها می‌رسد به دلیل عدم توان پاسخگویی شهر در زمینه اشتغال، مسکن، به ناچار در سکونتگاه‌های غیررسمی سکنی می‌گزینند. در کل این مکتب دلیل اصلی شکل‌گیری و گسترش سکونتگاه‌ها را عامل رشد جمعیت می‌داند و راه حل مسئله را نیز کنترل جمعیت می‌بیند. بنیادگراها برخلاف لیبرال‌ها، دلیل گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی را در عوامل خارجی جستجو می‌کنند. برخی تحولات باعث شکاف بین شهر و روستا،

آغاز مهاجرت‌های سنگین روستا - شهری می‌شوند. این در حالی است که به دلیل سرمایه بر بودن صنعت ایجاد شده فرصت اشتغال را برای تعداد معدودی از افراد فراهم می‌آورد و بقیه وارد مشاغل غیررسمی و حاشیه‌نشینی می‌شوند. از نظر اندیشمندان مکتب جامعه‌گرا و جامعه‌گرایان جدید، حاشیه‌نشینی و پیدایش گروه حاشیه‌ای و فقیر در جامعه شهری کشورهای در حال توسعه ناشی از عملکرد روند طبیعی تضاد میان کار و سرمایه و انباشت سرمایه، رشد ناموزون اقتصادی و بروز تضادها (تضاد بین زندگی شهری و روستایی تضاد طبقاتی و ...) است. بنابراین، در جریان تحولات ناهم‌هنگ جامعه بروز تضاد، مشکلات اجتماعی از جمله پیدایش حاشیه‌نشینی امری اجتناب‌ناپذیر است. جامعه‌گرایان جدید نیز پدیده حاشیه‌نشینی را نتیجه نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی می‌دانند. از نظر جامعه‌شناسان، گروه‌ها و طبقاتی که مسلط بر منابع کمیاب اجتماعی شهری‌اند به موقعیت «زیست در متن» دست می‌یابند و در حیات جمعی نقش سوژگی یافت می‌کنند و این خود مستلزم به حاشیه رانده شدگی طبقاتی است که در وضعیت «زیست در حاشیه» به سر می‌برند و در گستره فعالیت‌های شهری نقشی نیمه فعال یا غیرفعال دارند (حیدری نوشهر و نظریان، ۱۳۹۰: ۳۴). دیگر نظریه‌های مرتبط با شکل‌گیری حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی با توجه به زمینه‌های مشترک و نوع نگرش آنها به سه دسته نظریه‌های مسئله‌گرا، بنیادگرا و هدف‌گرا تقسیم‌بندی می‌شوند (sheikhi, 2002).



شکل شماره ۱: دیدگاه‌های نظری درباره حاشیه‌نشینی

آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین از حیث ماهیت، تفاوت چندانی با آسیب‌های اجتماعی جامعه ندارد، آسیب‌های اجتماعی خاص مناطق حاشیه‌ای، از نوع آسیب‌هایی هستند که به واسطه ویژگی‌های فرهنگی اقتصادی و اجتماعی حاکم در مناطق حاشیه‌ای، از گستردگی خاصی برخوردار می‌باشند. اگر در مراحل نخست شکل‌گیری، مدیریت نشوند به خرده فرهنگ کجروی تبدیل می‌شوند که فرایند مدیریت و سازماندهی آنها با پیچیدگی قابل توجهی روبرو خواهد بود (Howe, 2008). یکی از دیدگاه‌های نظری مرتبط با آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین مکتب شیکاگو است. مطابق مکتب شیکاگو مناطق مختلف شهری دارای کارکردهای متفاوتی هستند و ساکنان هر یک از مناطق بیشتر از طبقات خاصی برخاسته‌اند. بدین ترتیب ما شاهد جدایی‌گزینی فضای اجتماعی در شهرها هستیم. در دیدگاه مکتب شیکاگو، منطقه شهری ایفاگر کارکرد خاصی است، البته مناطقی وجود دارند که تولیدکننده مسائل شهری‌اند یا به عبارتی مسئله‌زایی دارند. به نظر می‌رسد تمام آنچه که مسائل اجتماعی نام می‌گیرد، در حاشیه‌نشینی خودنمایی می‌کند پس می‌توان میان گستره حاشیه‌نشینی و میزان مسائل اجتماعی رابطه برقرار کرد.

در ارتباط با حاشیه‌نشینی پژوهش‌های متعددی در داخل و خارج انجام شده است که هر کدام از آنها بخشی از حاشیه‌نشینی و مسائل آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. لیکن، با توجه به مسئله اصلی پژوهش، تعدادی از پژوهش‌های انجام گرفته در داخل و خارج در جدول شماره ۱ اشاره شده است.

جدول شماره ۱: پژوهش‌های انجام گرفته در مورد حاشیه‌نشینی و آسیب‌های آن

پژوهشگر (سال)	چکیده یافته‌های پژوهش
عزیزی و همکاران (۱۴۰۲)	در پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سکونت‌گاه‌های غیررسمی بر آسیب‌های اجتماعی (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه)» یافته‌های پژوهش نشان داد که مشکلات اساسی سکونتگاه‌های غیررسمی، عدم وجود حداقل امکانات بوده که این حاکی از فقر، نداشتن امنیت اقتصادی و اجبار به مهاجرت به این محله شده است. اعتیاد به سیگار و مواد مخدر، سابقه سرقت، جرم و زندان و یا خشونت، خودکشی و طلاق، که همه این عوامل دست به دست هم داده و باعث بروز نا امنی‌ها و زمینه‌ساز آسیب‌های اجتماعی در بین ساکنین این محله شده است. با توجه به اینکه اکثر این افراد از شهر به این محلات حاشیه‌ای مهاجرت نموده‌اند، این امر موید آن است که این افراد شرایط زندگی مناسبی نداشته و مجبور به مهاجرت به حاشیه شهرها با امکانات محدود و مشکلات فراوان شده‌اند.
سهراب‌زاده و رضوانی (۱۴۰۰)	در پژوهشی تحت عنوان «فراترکیب مقالات پژوهشی در مورد عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی و پیامدهای آن در بازه زمانی (۱۳۹۸-۱۳۸۸)» عوامل تأثیرگذار به صورت کلی به دو گروه عوامل ساختاری و عوامل غیرساختاری تقسیم شدند و از پیامدها و آسیب‌های آن می‌توان به آسیب فرهنگی اجتماعی، آسیب فیزیکی و کالبدی، آسیب اقتصادی، آسیب بهداشتی و زیست محیطی، آسیب سیاسی و آسیب روانی اشاره کرد.

ادامه جدول شماره ۱

پژوهشگر (سال)	چکیده یافته‌های پژوهش
هادی و هادی (۱۳۹۷)	در پژوهشی تحت عنوان «بررسی روند و عوامل مؤثر در گسترش حاشیه‌نشینی در کلانشهر تبریز» نشان دادند که مهاجرت در سال‌های اخیر با افزایش روبه‌رو بوده است و حاشیه‌نشینی نیز تحت تأثیر عوامل مختلفی (اقتصادی، اجتماعی، فیزیکی، خدماتی، فرهنگی) قرار دارد که از این بین، عامل اقتصادی با ۲۹/۴۱ درصد مهمترین عامل در روند حاشیه‌نشینی و عوامل اجتماعی، فرهنگی، خدماتی و کالبدی- فیزیکی به ترتیب با ۲۳/۵۷، ۲۰/۵۸، ۱۴/۷۰ و ۱۱/۷۶ درصد از دیگر عوامل مؤثر در روند حاشیه‌نشینی در شهر تبریز بوده است و عامل بیکاری که یکی از عوامل اقتصادی است در روند مهاجرت‌های بی‌رویه به شهر تبریز نقش بسزایی داشته است.
نعمت‌اللهی (۱۳۹۴)	در پژوهشی با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی ناپایداری توسعه شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی کلانشهرها (نمونه موردی شهر تبریز)» استدلال کردند که ناپایداری حاصل از رشد شهری نامتعادل به شکل نابرابر فضایی- اجتماعی، فقر شهری، سکونت در اراضی پرخطر و موارد مشابه دیگر نمایان است.
سجاسی قیداری و همکاران (۱۳۹۳)	در پژوهشی تحت عنوان «راهکار راهبردی کنترل رشد حاشیه‌نشینی در مناطق شهری مطالعه موردی: شهرستان بناب» نتایج به دست آمده نشان دهنده ضرورت انتخاب راهبرد محافظه‌کارانه در مدیریت و کنترل حاشیه‌نشین در شهر بناب به عنوان راهبرد کانونی است. با توجه به راهبرد توجه ویژه مسئولان و ارائه خدمات مناسب ساکنین مناطق روستایی و ایجاد زمینه‌های شغلی و ارائه خدمات مختلف اقتصادی و ساخت مسکن مناسب برای روستاییان جهت جلوگیری از مهاجرت بالاترین اولویت و از لحاظ برنامه‌ریزی برای کنترل رشد حاشیه‌نشینی در شهر بناب است.
علیزاده اقدم و محمدامینی (۱۳۹۱)	در پژوهشی با عنوان «حاشیه‌نشینی و مسائل اجتماعی- فرهنگی در شهرها (مطالعه موردی: شهر خمین)» نشان داده شد که مهاجرت از روستاها به اطراف شهر خمین مهم‌ترین عامل حاشیه‌نشینی بوده است و پس از آن پسران‌های شهری مانع ورود افراد به شهرها شده است. همچنین احساس حاشیه‌نشینی بر حسب جنسیت افراد متفاوت نیست و زنان و مردان، به لحاظ احساس حاشیه‌نشینی، وضعیت یکسانی دارند. همچنین در بحث پیامدهای ناشی از این پدیده (حاشیه‌نشینی) مشخص شد که بین گرایش به مشارکت و احساس حاشیه‌نشینی رابطه معنی‌دار و معکوسی وجود دارد.
نقدی و زارع (۱۳۹۱)	در پژوهشی تحت عنوان «حاشیه‌نشینی به مثابه آپاندیس شهری» به بررسی حاشیه‌نشینی به مثابه آپاندیس شهری در جعفرآباد کرمانشاه پرداختند. یافته‌ها بیانگر آن است که بیش از ۷۰ درصد سکنه در خانه‌هایی با بیش از ۵ نفر زندگی می‌کنند نزدیک به تمام (۹۷ درصد) خانه‌ها به صورت قولنامه‌ای تملک شده و برخورداری از آب، گاز و برق بالاست. نرخ بیکاری بالا و ناپایداری شغلی به همراه تنوع مشاغل کارگری ویژگی‌های بارز ساکنان است.

ادامه جدول شماره ۱

پژوهشگر (سال)	چکیده یافته‌های پژوهش
زنگی آبادی و مبارکی (۱۳۹۱)	در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی شهر تبریز و پیامدهای آن» محلات احمدآباد، کوی بهشتی و خلیل‌آباد شهر تبریز مورد بررسی قرار گرفته است. از دلایل بسیار مهم حاشیه‌نشینی در شهر تبریز می‌توان به بیکاری، درآمد کم، پایین بودن اجاره بها مسکن و مهاجرت گسترده از محیط‌های شهری کوچک و روستاهای استان اشاره کرد که ناشی از عوامل اقتصادی (جاذبه‌های اقتصادی شهر تبریز و دافعه‌های اقتصادی شهرها و روستاهای اطراف) و دافعه‌های اجتماعی - فرهنگی در محل سکونت قبلی بوده است.
حیدری نوشهر و نظریان (۱۳۹۰)	در پژوهشی تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی و بازتاب‌های آن، با تأکید بر کاربری خدمات شهری (مورد: شهر یزد)» علل شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در ارتباط با شاخص‌های آموزشی، بهداشتی، فرهنگی، تجاری، ورزشی، فضای سبز و بازتاب‌های اجتماعی ناشی از آن، در شهر یزد مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس مدل‌های رتبه‌بندی سکونتگاه‌ها، درجه توسعه یافتگی در ۴۱ محله شهر تفاوت چشمگیری را نشان داده است. همچنین میزان اعتبار همبستگی بین عدم توسعه یافتگی و حاشیه‌نشینی با ۰/۰۳۵ قابل اعتبار بوده است. بر اساس رگرسیون خطی نیز ارتباط معنی‌داری بین حاشیه‌نشینی و توزیع ناعادلانه خدمات و عدم توسعه یافتگی وجود داشته است. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که بین مهاجرت و ارتکاب جرایم اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. نتایج این تحقیق، همسو با نظریات قشربندی اجتماعی بوده است.
حکیمی و همکاران (۱۳۹۰)	در پژوهشی با عنوان «ارزیابی شاخص‌های کمی و کیفی مسکن در سکونتگاه‌های غیررسمی ایران (نمونه موردی: جمشیدآباد خوی)» با شناسایی و ارزیابی شاخص‌های کمی و کیفی مسکن در یکی از سکونتگاه‌های غیررسمی کشور نتیجه گرفته شد که شاخص‌های مسکن در محله جمشیدآباد نسبت به شهر خوی در وضعیت نامطلوب و نسبت به کشورهای جهان سوم در وضعیت مطلوبی قرار دارد.
راستی و آرزومندان (۱۳۹۰)	در پژوهشی تحت عنوان «مهاجرت، حاشیه‌نشینی و اثر آن بر سلامت شهری؛ مطالعه موردی: بیرجند» نتیجه گرفتند که مبدأ اولیه اکثر مهاجرین حاشیه‌نشین مناطق روستایی است. پایین بودن سطح سواد و بالا بودن نرخ بیکاری و همچنین عدم تعادل در توزیع درآمد، از مهم‌ترین ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی نمونه تحقیق است.
شیبانی (۱۳۹۰)	در پژوهشی تحت عنوان «اسکان غیررسمی: علل، پیامد و راه‌حل‌ها؛ (مورد مطالعه شیرآباد زاهدان)» با روش توصیفی تحلیلی و با جمع‌آوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای به این نتیجه رسیدند که ۸۹ درصد حاشیه‌نشینان را روستاییان فقیر تشکیل می‌دهند که عمده ویژگی‌های آنها درآمد اندک، بیکاری، داشتن مشاغل غیررسمی، تراکم خانوار، تعداد زیاد خانواده، جوانی جمعیت، کم سواد و وضعیت نامناسب مسکن می‌باشد. راهکار اصلی پژوهش هم مبتنی بر چاره‌جویی و حل مشکل‌ها از مبدا یعنی روستاهاست.

ادامه جدول شماره ۱

پژوهشگر (سال)	چکیده یافته‌های پژوهش
نقدی و صادقی (۱۳۸۵)	مقاله‌ای تحت عنوان «حاشیه‌نشینی چالشی فراروی توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی شهر همدان)» نشان دادند که بخش عمده اسکان غیررسمی شهر همدان، ناشی از مهاجرت‌های روستا-شهری است. حاشیه‌نشینان از شهر و محل زندگی خود رضایت بالایی ندارند و از احساس تعلق شهروندی پایینی برخوردارند. بهبود زیرساخت‌های فیزیکی شهر یا محله مهم‌ترین اولویت آنان برای بهبود وضعیتشان محسوب می‌گردد.
ادل (۲۰۱۶)	در پژوهشی با عنوان «مسکن مقرون به صرفه به عنوان روشی برای سکونتگاه‌های غیررسمی ارتقای پایدار» مشخص شد که مسکن ارزان و مقرون به صرفه به ندرت در رابطه با اسکان غیر رسمی بحث شده است. اگر چه مسکن ارزان بسیاری از استراتژی‌های جدید را به منظور گیرنده مسکن و ارتقا تکنیک‌های کم قیمت معرفی می‌کند.
فاریدا (۲۰۱۵)	در پژوهشی تحت عنوان «تأثیر ارتقای شهری بر ایمنی در سکونتگاه‌های غیررسمی» به بررسی چگونگی تغییرات فضای شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی و تأثیر آن بر کیفیت زندگی و سلامت ساکنان حاشیه‌نشین پرداخته شد و نتیجه‌گیری شد که ارتقای شهری بر کیفیت زندگی و سلامت ساکنان تأثیر مثبت دارد.
ماروا (۲۰۱۵)	در پژوهشی با عنوان «تکامل سکونتگاه‌های غیررسمی استراتژی‌های ارتقاء در مصر: از غفلت تا توسعه مشارکتی» نشان داده شد که موضوع سکونتگاه‌های غیررسمی نشان دهنده یک چالش کلیدی نه تنها در مصر بلکه در سراسر جهان است با وجود تمام تلاش برای مهار رشد سکونتگاه‌های غیررسمی، آنها به طور پیوسته در حال رشد هستند که روش پیشنهاد شده برای آن توسعه مشارکتی است.
ملانی (۲۰۱۴)	در پژوهشی تحت عنوان «ساخت مکان‌های معمولی: مکان‌سازی در سکونتگاه‌های غیررسمی شهری در مکزیک» به بررسی محل‌گیری در سکونتگاه‌های غیررسمی شهری در مکزیک پرداخته که سکونتگاه‌های غیررسمی شهری معمولاً توسط معیارهای خاصی مانند خودساخت مسکن، خدمات زیر استاندارد و کم درآمد ساکنان تعریف شده است، اغلب دیده می‌شود به عنوان مسئله مشکل‌ساز به دلیل ارتباط با فرد، بی‌نظمی و به حاشیه راندن مطرح بوده است.
آرمیا (۲۰۱۲)	در پژوهشی با عنوان «زاغه‌ها به عنوان بیان محرومیت اجتماعی: توضیح شیوع زاغه‌ها در کشورهای آفریقایی» نتایج نشان داد که سطوح بالایی از نابرابری رشد بی‌برنامه و کنترل نشده شهری و ماهیت انحصاری چهارچوب نظارتی حاکم بر ارائه زمین مسکونی، سبب رشد زندگی به شیوع زاغه‌ها و شهرک‌های غیرقانونی می‌شود.
زولو و همکاران (۲۰۱۱)	افراد مناطق حاشیه‌نشین با وضعیت فقر و مهاجرت و در تعامل با مسائل مربوط به فقدان سلامتی زندگی می‌کنند. و برخلاف عقاید و باورهای مردمی فهمیده شد که محله‌های فقیرنشین برخلاف مناطق مسکونی همگی به شدت پویا و ناهمگن هستند.

ادامه جدول شماره ۱

پژوهشگر (سال)	چکیده یافته‌های پژوهش
فلاکه و اسلیوزاس ^۱ (۲۰۱۱)	در پژوهشی با عنوان «مدل‌سازی رشد سکونتگاه غیررسمی در دارالسلام تانزانیا» نشان داده شد که انجام این تحقیق باعث درک بالا نسبت به رشد مناطق اسکان غیررسمی شد و به برنامه‌ریزان و سیاستمداران کمک کرد تا رشد مناطق اسکان غیررسمی را کنترل کنند.
وکاسا، استین و فرد (۲۰۱۱)	در پژوهشی تحت عنوان «بررسی ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی، جمعیتی و مداخله روشها و کاسا، استین و فرد در سکونتگاه‌های غیررسمی» اسکان غیررسمی به‌ویژه در بسیاری از شهرستان‌های کشورهای در حال توسعه را نتیجه شکست سیاست‌های عمومی برای بخش قابل توجهی از جمعیت فقراى شهری، قوانین ساخت‌وساز و دخالت بخش خصوصی در مفاد مسکن می‌دانند.
آکتر (۲۰۱۰)	در پژوهشی با عنوان «مهاجرت و شرایط زندگی در محله‌های فقیر نشین شهری: پیامدهایی برای امنیت غذایی بانک جهانی و مشروطیت» شرایط اجتماعی و اقتصادی از زاغه‌نشین و الگوی مصرف آنها بررسی شد و تاکید شد که اکثر آنها نمی‌توانند مواد غذایی مغذی را به علت گرانی، تامین کنند.
کلود (۲۰۱۰)	در پژوهشی با عنوان «زاغه‌ها و توسعه شهری: پرسش‌هایی در مورد جامعه و جهانی شدن» پدیده حاشیه‌نشینی و علل آن بررسی شده و پیشنهادهایی برای پیدا کردن راه‌حل‌های مناسب در جهت پاسخگویی به چالش‌های ناشی از این پدیده ارائه شده است.

با مطالعه و بررسی سوابق پژوهشی در زمینه حاشیه‌نشینی مشخص می‌گردد که تحقیقات انجام شده مسائلی چون بهداشت، فقر، ناپایداری توسعه، سطح‌بندی مناطق حاشیه‌نشینی، مهاجرت، اشتغال و مدیریت کلان شهری و علل شکل‌گیری پرداخته شده است که در بعضی از تحقیقات به علل پیدایش حاشیه‌نشینی بسنده شده است که هر کدام اغلب با روش‌های کمی و شناسایی همبستگی بین متغیرها محدود شده است. لذا مزیت نسبی تحقیق حاضر نسبت به تحقیقات پیشین بررسی مسائل و آسیب‌های اجتماعی حاشیه‌نشینی با روش کیفی و مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختار یافته بوده است.

روش تحقیق

معمولاً روش پژوهش براساس موضوع پژوهش انتخاب می‌شود و از آنجایی که در این مطالعه به دنبال بررسی مسائل و مشکلات حاشیه‌نشینی و آسیب‌های اجتماعی و عوامل تاثیرگذار و شرایط مداخله‌گر و پیامدهای آن در محلات شهر بناب بوده است، از روش کیفی استفاده شده است. برای انتخاب نمونه‌های مورد مطالعه از شیوه نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است؛ بدین ترتیب که افرادی که با پدیده محوری مورد مطالعه در ارتباط بودند انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند.

برای بررسی مسائل و مشکلات حاشیه‌نشینی و آسیب‌های اجتماعی و عوامل تاثیرگذار و شرایط مداخله‌گر و پیامدهای آن در محلات شهر بناب مورد بررسی قرار گرفته است. برای ایجاد درک عمیق‌تر نسبت به موضوع مورد بررسی، پی بردن به دیدگاه همه جانبه نسبت به موضوع از تکنیک نظریه داده بنیاد استفاده شده است. روش نظریه داده بنیاد باتوجه به ویژگی‌های چون قابلیت نظری و ارتباط مداوم و فعال محقق با موضوع تحقیق اهمیت زیادی برای تدوین چارچوب نظری برای شناخت مسائل اجتماعی دارد (ازکیا و جارمی، ۱۳۹۰: ۱۷۰) داده‌های میدانی براساس مصاحبه نیمه ساختاریافته از افراد مطلع و ساکن در محلات مورد بررسی شهر بناب بدست آمده و با ۴۱ مصاحبه به اشباع نظری رسیده است. با توجه به آمار سال ۱۴۰۲ جمعیت شهر بناب ۱۵۰۲۶۴ نفر بوده است که ۵۶۳۸۰ نفر از آنها در مراکز روستایی و ۹۳۸۸۴ نفر در مراکز شهری زندگی می‌کنند. تعداد خانوار ۴۵۶۰۹ بوده است. جامعه آماری پژوهش شامل سه منطقه حاشیه‌نشین شهر بناب است. مناطق حاشیه‌نشین عبارتند از: محله آغداش با آمار ۲۴۴۳ زن و ۲۲۵۶۵ نفر مرد، دیزج جنوبی (ایران گاراژ) با آمار ۱۲۲۵ زن، ۱۱۹۴ مرد، دیزج شمالی محله دیزج ناولو (آمالو) با جمعیت ۱۲۵۹ نفر که شامل ۴۸ خانوار بوده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های نظریه داده بنیاد، از روش استراوس و کوربین و شیوه کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شده است و مدل پارادایمی و نظری در برگیرنده شرایط علی، زمینه‌ای، پیامدی و راهبردها است.

در تحقیقات کیفی به جای معیارهای اعتبار و پایایی، قابلیت اعتماد یا اعتمادپذیری به کار می‌رود. در این پژوهش، از راهبردهای مثلث‌بندی، اعتبار پاسخگو و مقایسه‌های تحلیلی برای اثبات قابلیت اعتماد و افزایش باورپذیری براساس نظریه زمینه‌ای استراوس و کوربین استفاده شده است. برای اعتباریابی یافته‌های تحقیق، از مثلث‌بندی کدگذاران، محققان و کارشناسان استفاده شد، به این ترتیب که در جریان تحلیل اطلاعات، کدگذاران و محققان مختلف مشارکت داده شدند و بین آنها درباره یافته‌های تحقیق توافق وجود داشت.

یافته‌های تحقیق

جامعه آماری تحقیق شامل ۴۱ نفر از ساکنین محلات حاشیه‌نشین بناب شامل محلات آغداش، دیزج شمالی (آمالو) دیزج جنوبی (ایران گاراژ) بود که ۲۲ نفر از آنها زن و ۱۹ نفر از آنها مرد بودند. دامنه سنی پاسخگویان ۱۶ تا ۶۰ سال بوده است. تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق درباره آسیب‌های اجتماعی حاشیه‌نشینی منجر به استخراج مفاهیم و مقولات زیر گردید. در تحلیل داده‌های مصاحبه‌ای و کدگذاری آنها در قالب مفاهیم اولیه، خرده مقولات و مقوله‌های اصلی زیر مورد شناسایی قرار گرفتند که در جدول شماره (۲) ماتریس مفهومی مقولات استخراج شده از متون مصاحبه‌های پژوهش نشان داده شده است. مواردی از اظهارات مصاحبه‌شوندگان که در کدگذاری مورد استفاده قرار گرفته است برای توضیح مقوله‌های استخراج شده آورده شده است.

آسیب‌ها و مسائل اجتماعی مرتبط با حاشیه‌نشینی

به منظور استخراج آسیب‌ها و مسائل اجتماعی مرتبط با حاشیه‌نشینی در جامعه مورد مطالعه، تمام واحدهای معنایی مورد بررسی قرار گرفتند و پس از کدگذاری باز این مفاهیم به خرده مقولات تبدیل شدند. در مرحله بعد، با کدگذاری محوری و انتخابی مقوله‌های اصلی مورد شناسایی قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حدود ۱۱ مقوله اصلی مورد شناسایی قرار گرفته است که شامل مقوله‌های فقر و محرومیت، قتل و خودکشی، رها کردن مناطق حاشیه‌نشین توسط مسئولین و متولیان، زنان بی‌سرپرست، مهاجرت گسترده، ترک تحصیل، تاثیر محیط بر همه جوانب، امان آزرده، بزهکاری، اعتیاد و کودکان کار می‌باشند.

فقر و محرومیت: یکی از مقولاتی که از مصاحبه‌های انجام شده استخراج شده است مقوله محرومیت است. از نظر پاسخگویان، حاشیه‌نشینی به واسطه محرومیت ایجاد می‌شود و همچنین خود حاشیه‌نشینی محرومیت را بازتولید می‌کند و یک چرخه معیوب بین حاشیه‌نشینی و محرومیت شکل می‌گیرد. محرومیت در اشکال مختلف از آسیب‌های اجتماعی حاشیه‌نشینی محسوب می‌شود. محرومیت جغرافیایی، محرومیت اقتصادی، محرومیت اجتماعی و خانم ف/ش ۳۶ ساله بیان می‌کند:

حاشیه‌نشینی یعنی فقر خانواده، خانه کوچک. حاشیه‌نشینی یعنی در شهر زندگی می‌کنیم ولی انگار در روستایییم. فقر باعث میشه این مناطق ایجاد بشه. اینجا چگونه شهری است که همه جا فضولات حیوانی می‌بینی گوسفند نگهداری می‌کنند. بوی بدشان اذیتمان می‌کند. جوان‌ها مشروبات الکلی استفاده می‌کنند و رفتارهای زننده در شب و روز در محل از خودشان نشان می‌دهند. نبود آسفالت درست خرج‌های زیادی برای ماشین‌ها ایجاد می‌کند. فرهنگ در اینجا نیست از ۷۲ ملت در اینجا آدم هست. کاش مکانی بود که تفکیک صورت می‌گرفت میان مناطقی که حیوانات را نگهداری می‌کنند و افرادی که ساکن هستند.

قتل و خودکشی: یکی از آسیب‌های اجتماعی متداول در مناطق حاشیه‌نشین، وقوع قتل و خودکشی است. قتل و خودکشی خود زائیده مسائل دیگری است که در مناطق حاشیه‌نشین وجود دارد. برای مثال، وجود قمه کشی در خیابان‌ها بستر مناسبی برای ارتکاب قتل و خودکشی است. وجود افراد معتاد نیز در وقوع قتل و خودکشی تاثیر دوچندانی می‌تواند داشته باشد. آقای م/ه ۱۶ ساله می‌گوید:

نوجوانان این منطقه بیشترشون سیگاری هستند. پلیس دستگیرشون می‌کنند و در میدان معلم رهاشون می‌کنند (فاصله اندکی بین میدان معلم و ایران گاراژ وجود دارد) قمه‌کشی زیاد است در دو سه سال اخیر چندین قتل اتفاق افتاده

است. چندین مورد هم خودکشی اتفاق افتاده است. امنیت نداریم. برخی قتل‌ها به خاطر مال و املاک صورت گرفته است سه نفر را در اینجا با سلاح گرم کشته بودند.

رها کردن مناطق حاشیه‌نشین توسط مسئولین و متولیان: اکثر قریب به اتفاق پاسخگویان معتقدند که مناطق حاشیه‌ای جایی هستند که در واقع توسط مسئولین و متولیان مربوطه رها شده‌اند و هیچگونه توجهی نسبت به مناطق حاشیه‌ای از طرف آنها صورت نمی‌گیرد. این بی‌تفاوتی و غفلت مسئولین نسبت به مناطق حاشیه‌ای، در شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی نقش بارزی دارد. آقای م/ن ۵۱ ساله می‌گوید:

«حاشیه‌نشینی یعنی شهرداری نمی‌رسد، امکانات ندارد، بهداشت نیست، آسفالت نیست، به ما رسیدگی نمی‌کنند. برادرم برای استخدام ثبت نام کرده بود وقتی پرسیده بودند خونتون کجاست دیده بودند حاشیه‌نشین است گفته بودند نیازی نداریم. دیدگاه بدی نسبت به ساکنین این مناطق وجود دارد. اعتمادی به مسئولین ندارم. نامزدهای انتخاباتی چند باری به محله‌مان آمدند و گفتند باید به این مناطق رسیدگی بشه آمدن سر کار ولی کاری برایمان انجام ندادند. انگار هیچ تفاوتی با روستا نیست که می‌بینید که فضولات حیوانی را در گوشه‌ای ریختند و هر روز از بوی بدشان اذیت می‌شویم به بهداشت هم گفتیم ولی رسیدگی نکردند.»

زنان بی‌سرپرست: یکی از مهمترین مسائلی که در مناطق حاشیه‌نشین وجود دارد وجود گروه‌های آسیب‌پذیر است. یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر در مناطق حاشیه‌نشین زنان سرپرست خانوار هستند. زنان سرپرست خانوار از دو جهت در مناطق حاشیه‌نشین تعدادشان زیاد است. اول اینکه، بروز حوادث و آسیب‌های متعدد برای مردان در مناطق حاشیه‌ای، باعث ایجاد زنان سرپرست خانوار در چنین مناطقی می‌شود و دیگر اینکه بنا به دلایل متعددی نظیر ارزانی مسکن و پایین بودن هزینه‌های زندگی، بخش زیادی از زنان سرپرست خانوار به این مناطق مهاجرت می‌کنند. خانم خ / ب ۶۰ ساله می‌گوید:

«تا جون داشتم در زمین‌های کشاورزی کار می‌کردم ۳۵ ساله که شوهرم فوت کرده ۵ تا فرزند داشتم ازدواج کردند و رفتند الان تنها موندم از آلمالو عجب شیر آمدم از پدرم ارث رسید این خانه رو اینجا خریدم و بزرگترین پسرم موقع فوت شوهرم ۱۵ سال داشت هر چی خانم بی‌سرپرست هست اینجا ریختن (با خنده). وقتی اینجا اومدم تعداد خانه‌ها کم بود.»

ترک تحصیل: ترک تحصیل از مقولاتی است که در مناطق حاشیه‌نشین وجود دارد. از دلایل عمده آن کار کردن فرزندان در سن تحصیل برای تامین هزینه‌های زندگی است. همچنین نبود

فرهنگ و منزلت شغلی متناسب با تحصیل و یادگیری در وقوع ترک تحصیل دانش‌آموزان نقش زیادی دارد. خانم ت / ی ۴۵ سال بیان می‌کند:

«مدرسه‌ای در نزدیکی ما نیست و ما باید بریم کوی شهرداری خیلی از بچه‌ها به ویژه پسرها به دلیل مشکل مالی خانواده به مدرسه نمی‌روند و یا پدر و مادر معتاد هستند و نمی‌توانند مخارج را تامین کنند حدوداً ۱۳ یا ۱۶ ساله‌ها نمی‌توانند به مدرسه بروند تا نهم می‌خوانند با وجودی که به درس علاقه دارند نمی‌توانند مجبورن به پدر و مادرشان کمک کنند. امکانات شهر و محله ما قابل مقایسه نیست. ما از شاهین دژ اومدیم. (فحش‌های متعددی که توسط مادرشوهر به عروسیش گفته می‌شد) مصاحبه شونده می‌گوید فرزندانم چگونه در این محیط فرهنگ را بیاموزند و تربیت شوند.»

تاثیر محیط بر همه جوانب: مصاحبه شوندگان در صحبت‌های خود به کرات بیان داشتند که خود محیط حاشیه‌نشین به لحاظ کالبدی و محیطی و فرهنگی، حاشیه‌نشینان و افراد ساکن در مناطق حاشیه‌نشین را تحت تاثیر قرار می‌دهد. آقای د / ی ۳۱ ساله می‌گوید:

«کاردانی حسابداری هستم بیکارم در یکی از کارخانه‌ها کار می‌کردم تعدیل نیرو صورت گرفت زندانی‌هایی که تازه آمده بودند بیرون و بهزیستی‌ها که حقوق کمی را می‌گرفتند استخدام کردند و منی که سرپرست ۴ نفر بودم رو بیکار کردند؛ ۱۰ میلیون قبلاً می‌گرفتم الان بیکارم. حاشیه‌نشینی فاصلش خیلی زیاد هستش چرا وقتی به پلیس زنگ می‌زنیم مامور نمی‌فرستند امنیت نیست چقدر بچه‌ها را در خانه نگه دارم و نذارم بیاید در کوچه بازی کند. می‌خواهم خانه‌ام را بفروشم و تا با پولش جایی را اجاره کنم و زندگی کنم ولی به خاطر محلمون خریداری نیست حاشیه‌نشین مگر انسان نیست. مثل خانم چادر سرم انداختم و با تمام مشکلات آبرویم را حفظ کردم حاضرم وقتی میرم بیرون به خونه برنگردم چون نمی‌توانم نیازهای خانوادهم را تامین کنم و شرمندشون هستم. (باگریه)»

انسان آزرده: حاشیه‌نشین کسی است که به معنای آورده از تمام جوانب زندگی خسته شده و هیچگونه آینده خوش و مطمئنی را نمی‌تواند برای خود و خانواده خود تصور کند. فرد حاشیه‌نشین از زندگی خود و اجتماع خود آزرده است و توانایی ارائه راه‌حل‌های مناسب برای اداره زندگی خویش ندارد. آقا ع / ب ۳۰ ساله می‌گوید:

«حاشیه‌نشین فردی است که از محل خود آزرده شده و فاصله گرفته است. این دخترها بعد مدتی موقع ازدواجشون هستش آیا خانواده‌شون می‌توانند جهیزیه‌شون رو تامین کنند. زمین کشورمون طلاست ولی خودمون عین گداها زندگی می‌کنیم. سنم بهم نمی‌خوره به خاطر فشارهای عصبی است که از مشکلات خانواده‌ها و خودم رو می‌بینم و پیر

می‌شوم (طبق گفته همسایگانش این فرد قبلاً شغل مکانیکی داشته و به خاطر استفاده از مواد مخدر زیاد باعث شده تمامی مال و املاک خود را از دست بدهد و امروزه شیشه مصرف می‌کند و به دعانویسی هم می‌پردازد.)

بزهکاری: مناطق حاشیه‌ای به لحاظ ساختاری مستعد شکل‌گیری بسیاری از جرایم و بزهکاری‌ها هستند. به دلیل وجود خرده فرهنگ بزهکاری در این مناطق، نوجوانان در سنین پایین‌تر در مواجهه با خیلی از انواع بزهکاری‌ها هستند و آنها را یاد می‌گیرند و در جامعه نمایش می‌هند. خانم آ/ ش ۳۹ ساله می‌گوید:

«اینجا دیوونه خونه است اول اینجا یه تیمارستان بزنی همه این آدم‌ها بروند آنجا اینجا آسایش و آرامشی وجود ندارد، امنیت نیست، در اینجا یک حیاط خالی هستش معتادین می‌روند در آنجا مصرف می‌کنند از محله‌های دیگر می‌آیند و در آنجا گروهی مصرف می‌کنند. بزرگترین مشکل این است که از اینجا نمی‌توانیم به محله دیگری بروم خرید و فروش مواد مخدر در اینجا بسیار زیاد است این محل از لحاظ برخورد و رفتار و فرهنگ عقب مانده است. افراد زیادی بیکار هستند یا در خونه فرش بافی می‌کنند یا ضایعات جمع می‌کنند پسر من ۱۶ سالشه کار می‌کنه مدرسه نمیره و مجبوره به خانواده کمک کند (نشان می‌دهد خرید و فروش و مصرف مواد مخدر در حیاط که خالی از سکنه است.)»

اعتیاد (دسترسی آسان به مواد مخدر): بارزترین آسیب اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین وجود اعتیاد و افراد معتاد در این مناطق است. اعتیاد به عنوان آسیب فراگیر در مناطق حاشیه‌ای مختص به مردان نبوده بلکه زنان و نوجوانان نیز با این مسئله اجتماعی مواجه هستند. آقا ک / ش ۵۴ ساله می‌گوید:

«معتادین مناطق خیلی زیاد هستش مرکز مواد فروشی اینجا به نام سه راه زاهدان است خیلی راحت خرید و فروش می‌کنند. دسترسی راحتی وجود دارد که حتی نوجوانان می‌توانند بهش دسترسی داشته باشند. فروختن مواد توسط خانم هم صورت می‌گیرد چون که شوهرش رفته زندان و الان داره راه شوهرش رو ادامه میده به راحتی می‌فروشند چون نمی‌ترسند و چون که نمی‌گیرنشون.»

کودکان کار: یکی از مهمترین آسیب‌های اجتماعی مناطق حاشیه‌ای وجود کودکان کار است. شکل‌گیری کودکان کار محصول مشکلات و آسیب‌های اجتماعی متعددی هستند که در مناطق حاشیه‌ای وجود دارند. مسائلی نظیر فقر، زنان سرپرست خانوار، تأمین نشدن هزینه‌های زندگی، وجود خرده فرهنگ کار و به شکل‌گیری پدیده کودکان کار منجر می‌شود. آقا س/ م ۳۶ ساله می‌گوید:

«پدرم از میاندوآب آمده است و شغل ایشان کارگری است. بچه‌ها در سنین پایین مجبور هستند کار بکنند و ضایعات جمع بکنند یا به مدرسه نمی‌روند مجبورند که به پدرشان کمک بکنند یا در چراندن گوسفندها یا در جمع‌آوری ضایعات آنهایی که گاو و گوسفند دارند با محله سکونت نشین فاصله داشته باشد و مکان خاصی را برای این کار در نظر بگیرند محلی برای بازی بچه‌ها نیستش مجبورند در داخل آشغال‌ها در داخل فضولات حیوانی بازی بکنند تاثیرپذیری از محیط زیاد هستش خیلی‌ها از شهرهای اطراف آمدند.»

جدول شماره ۲: واحدهای معنایی، خرده مقولات و مقوله اصلی حاشیه‌نشینی

واحد‌های معنایی (کدگذاری باز)	خرده مقولات (کدگذاری محوری)	مقوله اصلی (کدگذاری انتخابی)
حاشیه‌نشینی یعنی دور افتاده از شهر، در شهر زندگی می‌کنیم ولی انگار در روستا زندگی می‌کنیم.	از شهر دور افتاده زندگی شهری اما به مانند روستاست	فقر و محرومیت
خانه کوچک، توان اداره خانه رو ندارند، یعنی نبود امنیت، زندگی با ترس، یعنی دعوای خانوادگی و قمه‌کشی، دسترسی سریع نوجوانان به مواد مخدر، زیادی قتل و خودکشی	زندگی همراه باترس دسترسی به مواد قتل‌های متعدد	قتل و خودکشی
حاشیه‌نشینی جایی که فقر و نداری است، عدم رسیدگی مسئولین، هیچ جایی به حاشیه‌نشینی اهمیت نمی‌دهند، دیدگاه بد نسبت به افراد حاشیه‌نشین	عدم رسیدگی به مناطق حاشیه‌نشینی دیدگاه نادرست نسبت به مردمان ساکن در حاشیه	رهاکردن مناطق حاشیه‌نشین توسط مسئولین
با فوت شوهرم مجبور شدم به اینجا بیایم، خانم‌های بی‌سرپرست زیادی در اینجا هستند	تعداد زیاد خانم‌های بی‌سرپرست	زنان بی‌سرپرست
ترک تحصیل فرزندان، در این مناطق به دلیل نداری خانواده‌ها، و کمک به خانواده، پرتاب سنگ توسط بچه‌ها و زخمی شدن آنها	ترک تحصیل به خاطر فقر کمک به خانواده آسیب از محیط	ترک تحصیل
هرجا نامه می‌برم می‌گویند محل زندگیت کجاست، وقتی اسم محل ما را می‌بینند می‌گویند، نمی‌توانیم کاری برای انجام دهیم، نمی‌توانم خانه‌ام را بفروشم و در جای دیگر خانه بگیرم و در آنجا ساکن بشم	نگرانی در مورد سلامت و آینده فرزندان عدم فروش خانه	تاثیر محیط بر همه جوانب زندگی
انسانی که از محل خود آزرده شده، فاصله گرفته و به اینجا آمده، عدم تامین نیازهای زندگی خانواده‌ها برای فرزندان، زمین کشورمان طلاست، ولی خودمان روی مثل گداها زندگی می‌کنیم، فشار عصبی زیاد	انسان آزرده از، فاصله گرفته از شهر عدم امکانات برای تامین نیازها فشار عصبی زیاد	انسان آزرده

جدول شماره ۲: واحدهای معنایی، خرده مقولات و مقوله اصلی حاشیه‌نشینی

واحد‌های معنایی (کدگذاری باز)	خرده مقولات (کدگذاری محوری)	مقوله اصلی (کدگذاری انتخابی)
امنیت و آرامش نیست، حیاط خالی و حضور معتادین برای مصرف گروهی، فرزندم کارگر است وقتی می‌بیند، درآمد فروش مواد خوب است، کارگری را می‌خواهد ول کند و مواد بفروشد، ضایعات جمع کردن بچه‌ها در سنین پایین، ترک تحصیل	نبود آرامش حاشیه‌نشینی یعنی غریبی محیط افراد درگیر و تشویق به فروش مواد دعوا و نزاع و درگیری	بزهکاری
ساکن شدن اجباری در این مناطق نبود، فروش زیاد مواد، و به راحتی در دسترس است، فروش مواد علاوه بر آقایان، خانم‌ها نیز انجام می‌دهند.	ساکن شدن اجباری فروش و دسترسی آسان به مواد	اعتیاد (دسترسی آسان به مواد مخدر)
در هر گوشه‌ای از محل، فضولات حیوانی را می‌بینید، کار کردن کودکان کم سن و سال در زمین‌های کشاورزی، جمع‌آوری کردن ضایعات، و ترک تحصیل	کودکان کار اختلاف فرهنگی زیاد نبود نظم	کودکان کار

پدیده ناشی از شرایط علی

آسیب‌های اجتماعی ناشی از حاشیه‌نشینی به دلیل وجود عواملی چون ضعف و مدیریت شهری و منطقه‌ای است. اگر شهرها به صورت مناسب، منطقه‌بندی و توسعه نیابند زمینه برای ساخت و ساز غیرمجاز فراهم شده و محلات زاغه‌نشین پدید خواهد آمد (کریم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۳). حاشیه‌نشینی مولود نامبارک توسعه نامتعارف خدمات و ضعف در مدیریت مناطق پیرامونی شهرها است. عدم ارائه خدمات عمومی و ندادن خدمات شهری به شهروندان حاشیه‌نشین زندگی مطلوب را از آنها سلب می‌کند. در برخی مقاطع نگاه لیبرالی بر مدیریت شهری است و این معضل ناشی از عدم توجه نظام مدیریتی ما به همه ابعاد و زوایای توسعه از جمله مباحث انسانی است. ناکارآمدی برخی از سیاست‌ها و برنامه‌های دولت، ناکارایی بازار املاک و مستغلات و بازارهای پولی و مالی کشور در پاسخ به تقاضای قشرهای کم درآمد و فقیر برای سکونت در شهرها و در نتیجه گرایش آنها به اسکان غیررسمی و یا استقرار در نواحی نابسامان شهری است. و مقوله افزایش جمعیت مقوله همگام با فقر اقتصادی و نبودن شغل به صورت خواسته یا ناخواسته مردم را جهت زندگی در مناطق حاشیه‌نشین به دلیل قیمت کم زمین سوق می‌دهد که در این بین خود مناطق حاشیه‌نشین دارای بعد خانوار، تراکم و درصد رشد بالایی نسبت به سایر مناطق شهری بوده و افراد زیادی متشکل از پدر، مادر، فرزندان و گاه بستگان نزدیک، در فضایی

محدود و زیر یک سقف زندگی می‌کنند. روند رشد شتابان جمعیت شهری کشور طی پنج دهه اخیر و عقب ماندگی رشد اقتصاد ملی و عدالت توزیعی نسبت به این روند که موجب بالارفتن نرخ بیکاری در شهرها و فقر نسبی سه دهک اول درآمدی شده است (سیدحسین زاده یزدی و مقصودی، ۱۳۹۹: ۴۰). و **ضعف در توانمندسازی افراد حاشیه‌نشین**؛ مناطق حاشیه‌نشین با وجود داشتن ویژگی‌های منحصر به فرد، در برخی خصوصیات از جمله فقر، رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی گسترده، وضعیت مشابهی دارند؛ بر این اساس و برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین باید به توانمندسازی شهروندان این مناطق از جهات مختلف از جمله فراهم کردن شرایط کار و آموزش، مهارت‌های زندگی با کمک سازمان‌های مردم نهاد اقدام شود. در حوزه عملکردی و اجرایی نیز مدیران شهری اغلب به بهانه نبود بودجه، اجرای طرح تفصیلی و ساماندهی در این منطقه را به تعویق انداخته و نهایتاً با ایجاد زیر ساخت‌های ابتدایی نظیر احداث شبکه راه (آسفالت کردن بخش‌هایی از منطقه)، نصب تیرهای چراغ برق و در برخی از بخش‌ها راه‌اندازی سیستم شبکه آب و فاضلاب تا حدی نیازهای اولیه ساکنان را برآورده ساخته‌اند اما به لحاظ بسترهای اجتماعی و فرهنگی ساکنان این منطقه در فقر به سر می‌برند که این امر منجر به بالا رفتن آمار جرم در این منطقه شده است. لذا مدیریت شهری در حوزه برنامه‌ریزی و اجرا دارای ضعف‌هایی است که لازمه برطرف شدن آنها در مرحله اول بازنگری روش برنامه‌ریزی و سپس نقدپذیری مسئولین می‌باشد. **قیمت زیاد مسکن و زمین**؛ عامل دیگر قطعه‌بندی زمین‌ها است که موجب افزایش قیمت زمین شده و امکان خرید زمین توسط افراد کم درآمد و کم بضاعت گرفته می‌شود و ناچار به مناطق حاشیه‌نشین پناه می‌برند (کریم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۳). افزایش جمعیت شهری، گرانی زمین و ناتوانی در تامین واحد مسکونی در کنار آرزوی رهایی از رنج اجاره‌نشینی سبب شده که دست کم ۲۵ درصد جمعیت کشور به سکونت در حواشی شهرها و ساخت خانه‌های بدون مجوز رو بیاورند. طبق اعلام مسئولان حدود ۱۱ میلیون نفر در مناطق حاشیه‌ای و هشت میلیون نفر هم در بافت‌های فرسوده و تاریخی شهرهای کشور زندگی می‌کنند و این مساله سبب شده سرریز جمعیت روستایی که به دلایلی از قبیل خشکسالی راه شهرها را در پیش گرفته‌اند به افزایش سکونتگاه‌های غیررسمی و حاشیه‌ای دامن بزند. **توجه ناکافی به اقشار کم درآمد**؛ در شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین، حداقل در گسترش آن نقش و تأثیر خطمشی‌ها و عملکرد دستگاه‌های مسئول دولتی و عمومی را نباید نادیده گرفت. مهم‌ترین عامل در موفقیت برنامه‌های بهسازی، تعهد و الزام همه افراد جامعه است. مشارکت قشر فقیر شهری در طراحی راه‌حل‌هایی برای حل مشکل مسکن، حق مسکن برای همه، تضمین حق مالکیت، مشارکت به‌عنوان وسیله‌ای برای توسعه پایدار، اسکان مجدد بدون اعمال زور به‌جای

تخلیه اجباری و دسترسی قشر فقیر شهری به زمین برای سکونت، دستورکار آخرین الگوی طرح‌شده در جهان برای مواجهه با حاشیه‌نشینی است. و انواع مهاجرت‌ها از عوامل مؤثر در شکل‌گیری حاشیه‌نشینی است. مهاجرت اعم از مهاجرت افراد از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و نیز مهاجرت افراد از هسته داخلی شهر به حواشی آن می‌باشد. رابطه تنگاتنگی بین پدیده مهاجرت و حاشیه‌نشینی وجود دارد. در بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته جریان مهاجرت از روستا به شهر با رشد اندک صنعتی شدن و نرخ بالای بیکاری و فقر در مناطق شهری همراه است. مهاجرت از روستا به شهرها به عنوان جزء لاینفک فرایند توسعه اقتصادی مطرح می‌باشد. رشد شهرنشینی تابعی از چهار فرایند مهاجرت، رشد طبیعی جمعیت، تغییر تعریف شهر و ادغام روستاهای اقماری و تاسیس شهرهای جدید است بنابراین منشأ جمعیت شهرنشین تنها ناشی از افزایش طبیعی جمعیت شهرها نیست، بلکه ناشی از مهاجرت روستائیان به شهرها می‌باشد، علل عمده مهاجرت روستائیان به شهرها، علاوه بر جاذبه‌های شهرنشینی و رشد اشتغال صنعتی در شهرها، کمبود کار و فقر عمومی روستائیان، ترجیح دادن مشاغل صنعتی با دستمزد بالا بر کشاورزی، امید به آینده بهتر برای خود و فرزندان و توزیع نامناسب امکانات رفاهی شهر و روستا است.

شرایط مداخله‌گر مؤثر بر راهبردها

متغیرهایی که به عنوان موانع مداخله‌گر در آسیب‌های اجتماعی مناطق حاشیه در سطح شهر محسوب می‌شود به تحصیلات، وضعیت تاهل و سطح درآمد می‌توان اشاره کرد. میزان تحصیلات یک فرد حاشیه‌نشین به عنوان شرایط علی قطعی در میزان آسیب‌های اجتماعی وی در شهر مطرح نبوده ولی به عنوان عامل مداخله‌گر هستند که آسیب‌های اجتماعی را می‌تواند محدود نماید. همه افراد چه تحصیل کرده چه کم سواد یا بی‌سواد وقتی در منطقه حاشیه‌ای زندگی می‌کنند افراد با پایگاه اجتماعی هر دو به یک اندازه از آسیب‌های اجتماعی رنج می‌برند. وضعیت تاهل یک شخص نیز از دیگر شرایط مداخله‌گر است وقتی یک عامل فردی، خانوادگی یا فرهنگی و اقتصادی به عنوان مانعی بر سر راه مطرح می‌شود دیگر متاهل بودن و یا مجرد بودن شخص به عنوان عامل قطعی مطرح نیست سطح درآمد نیز عامل قطعی نبوده ولی عاملی مداخله‌گر است (کریم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۴)

سستی منزلت اجتماعی؛ (شغل‌های دست دوم، تحصیلات و آموزش پایین) تفکر و ذهنیت «ماحاشیه‌ایم» در بین حاشیه‌نشینان یک ایستار قوی است که تهنشست‌های ذهنی آنها را در بر گرفته است. این ایستار مسبوق به سستی منزلت اجتماعی و مکانی آنها است. در مناطق

حاشیه‌نشین به دلیل تسلسل نسلی فقر و نیز فقدان درآمد و قدرت اقتصادی لازم، منزلت اجتماعی افراد سست و لرزان است. افراد از حیث شان و اعتبار مکانی، وضعیت مطلوبی دارند. این موقعیت، انتقال محسوس و نامحسوس فردی و جمعی گذار از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب را با تأخیر روبرو ساخته است. توزیع نابرابر قدرت و تضاد منافع در میان گروه‌های اجتماعی، یک عامل تعیین‌کننده در فقدان تحرک منظم اجتماعی است. **ذهنیت توسعه دولت محور؛** تأمین‌کنندگی همه جانبه دولت عامل توسعه، دولت در نقش پدر و روحیه انتظاری بین حاشیه‌نشینان باعث شده که حس وابستگی به کسانی که بیایند و امور توسعه را انجام بدهند، تشدید و درونی شود و به جای خوداتکائی و استفاده از ظرفیت‌های موجود، فرهنگ وابستگی در بین آنها تقویت شود. **خشونت و نگاه حذفی؛** نگاه فرودستی بیرونی‌ها، انگ و طرد حاشیه بودگی، نادیده گرفته شدن و جامعه‌پذیری ناقص و ساختار خانوادگی مستبدانه در بین مناطق حاشیه‌نشین عامل دیگری است که خشونت‌های اجتماعی را نهادینه ساخته است. کلیشه‌های کلامی، نوعی خشونت است که در روابط متقابل اجتماعی بین زنان و مردان رخ می‌دهد که بر اثر آن زنان با القاب و عناوینی زننده و بعضاً غیر اخلاقی مورد خطاب قرار می‌گیرند. از آنجایی که اغلب زنان خانه‌داری و دارای نقش سنتی هستند، واکنش منفعلانه‌ای به خشونت علیه‌ی خود دارند. وابستگی به مرد نان‌آور از یک سو و جامعه‌پذیری با نهادینه کردن نابرابری از سوی دیگر، تداوم بخشیدن به این وضعیت را به امری نمادین و موجد بسترهای نابرابر جنسیتی مبدل ساخته است. خشونت‌های کلامی در کنار خشونت‌های فرهنگی که صبغه قومی دارد، در تشدید پراکندگی و عدم انسجام اجتماعی خود را نشان می‌دهد. فشارهای ناشی از تنوع قومی و فرهنگی بالا قدرت چسبندگی اجتماعی را کاهش داده است و این امر حس تعهد و تعلق به سرنوشت جمعی را به امری ثانویه مبدل ساخته است. **مسئولیت‌پذیری اجتماعی؛** بی‌اعتمادی مشارکتی، عدم توجه به روابط همسایگی، بی‌تفاوتی به محیط اجتماعی، نداشتن منافع مشترک با دیگران. مسئولیت‌پذیری زمانی قوت می‌گیرد که فرد حاشیه‌نشین در یک «موقعیت نظم یافته و تثبیت شده» قرار گیرد و بر اساس ارزیابی خود از آن بتواند پایه‌های مسئولیت‌پذیری خود را بنیان نهد. کسب آگاهی و قبول مسئولیت، در یک بستر رو به پیشرفت و با توجه به آنچه در زمان حال در جریان است و آنچه در آینده احتمال و وقوع آن می‌رود، انجام می‌گیرد.

تعهد و اتکاء به نقش‌های اجتماعی باثبات، به دلیل منزلت اجتماعی سست و نیز خشونت‌های اجتماعی پایین همواره در معرض جابجایی است. لذا، مسئولیت‌پذیری که برآمده از توانمندی، آگاهی فردی و جمعی و قدرت مواجهه با شرایط موجود است، با اختلال روبرو است. مسئولیت‌پذیری زمانی قوت می‌گیرد که فرد حاشیه‌نشین در یک «تحلیل تبادلی» قرار گیرد و بر اساس ارزیابی خود از آن بتواند پایه‌های حس مسئولیت‌پذیری خود را بنیان نهد. کسب آگاهی و قبول

مسئولیت، در بستر و با توجه به آنچه در زمان حال در جریان است و آنچه در آینده احتمال و وقوع آن می‌رود، انجام می‌گیرد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند اکثر خانواده‌ها شغل رسمی برای تامین معاش خود ندارند و چون این افراد عموماً فاقد مهارت و تخصص سرمایه‌گذاری می‌باشند به مشاغل کاذب بعضاً مجرمانه تکدی‌گری، زباله دزدی خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی روی می‌آورند. بر حسب آمارهای موجود درصد زیادی از افراد مناطق فاقد شغل هستند. یا بیکار هستند یا فرش بافی می‌کنند یا به کارگری مشغول اند. از نظر فرهنگی اجتماعی و امکان نفوذ در آنها برای اجرای برنامه‌های مختلف اجتماعی چون بهداشت و تنظیم خانواده و ... را مشکل می‌سازد از عوامل گرایش به اعتیاد، فقر، بیکاری، فقدان برنامه صحیح جهت پر کردن اوقات فراغت، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و در دسترس بودن مواد مخدر می‌توان نام برد معمولاً در مناطق بسیاری از این عوامل قابل رویت هست.

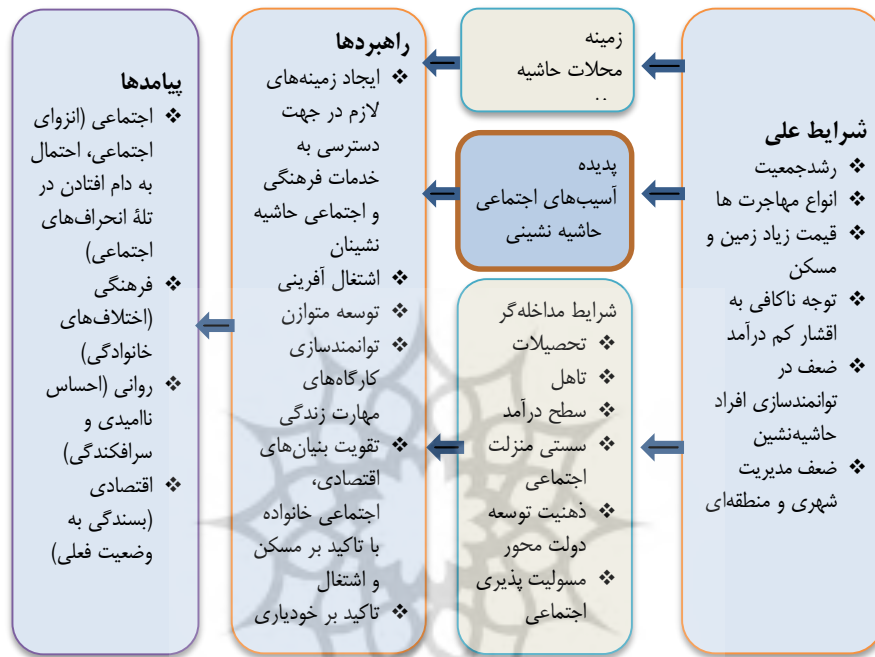
راهبردها

راهبردها بیانگر تعاملات هدف‌داری هستند که حاشیه‌نشینی اتخاذ می‌کنند. به عبارتی، راهبردها همه آن سازوکارهای هستند که فرد حاشیه‌نشین بکار می‌گیرد که با پدیده‌ی مورد نظر روبرو شود. این راهبردها متفاوت و بعضاً می‌توانند متعارض باشند (وصالی، ۱۳۹۸: ۱۱۲). راهبردهایی که برای حل مشکلات حاشیه‌نشینی در محدوده مورد مطالعه شناسایی شده عبارت است از: ۱) ایجاد زمینه لازم در جهت دسترسی به خدمات فرهنگی و اجتماعی ۲) رویکرد ایجابی یا توسعه متوازن ۳) اشتغال آفرینی ۴) تقویت بنیان‌های اقتصادی، اجتماعی خانواده با تاکید بر مسکن و اشتغال ۵) تاکید بر خودیاری و مشارکت ساکنان.

پیامدهای ناشی از آسیب‌های اجتماعی حاشیه‌نشینی

اتخاذ هر کدام از راهبردهای یاد شده، پیامدهای متفاوتی را به همراه خواهد داشت. در پژوهش حاضر، پیامدهای ناشی از راهبردهای ذکر شده در سه حوزه اجتماعی، فرهنگی، روانی و اقتصادی قابل بررسی هستند. در حوزه اجتماعی پیامدهای ناشی آسیب‌های حاشیه‌نشینی شامل ۱) احساس قربانی شدن در اوضاع جامعه، ۲) احساس سرخوردگی و بیگانگی ۳) انزوای اجتماعی و ۴) احتمال به دام افتادن در تله انحراف‌های اجتماعی و ازهم گسیختگی اخلاقی (خودکشی، فرار، اعتیاد و ...) هستند. پیامدهای حوزه فرهنگی آسیب‌های حاشیه‌نشینی اختلاف‌های خانوادگی است. گرفتار شدن در تنگدستی و احساس ناامیدی و سرافکندگی مهمترین پیامد روانی آسیب‌های حاشیه‌نشینی می‌باشد. و مهمترین پیامد اقتصادی استبطا شده از آسیب‌های حاشیه‌نشینی تقدیرگرایی و

بسندگی به وضعیت فعلی است که همه این پیامدها تهدیدهای جدی برای حاشیه‌نشینان جامعه مورد مطالعه به شمار می‌روند.



شکل شماره ۲: مدل پارادایمی آسیب‌های اجتماعی ناشی از پدیده حاشیه‌نشینی

۵. بحث و نتیجه‌گیری

پس از رشد انفجاری شهرها در ایران که از دهه ۴۰ شروع شد و تاکنون ادامه یافته است، شهرهای کشور به تناسب موقعیت پتانسیلی‌های توسعه و رخداد خاص، رشد سریع را تجربه کردند. به همین ترتیب رشد شهری در شهر بناب نیز طی سال‌های اخیر چشمگیر بوده است که بخش قابل توجه آن معلول مهاجرت روستا از سایر استان‌های همجوار بوده است. می‌توان گفت که حاشیه‌نشینی افشار کم درآمد و بی‌توجهی‌های جامع به خصوص به برنامه‌ریزی‌های هست. لذا برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، اقتصادی هم را با نظارت و مدیریت صحیح بر مناطق حاشیه‌نشین است.

هدف از تحقیق حاضر مسئله‌یابی و آسیب شناسی اجتماعی پدیده حاشیه‌نشینی در شهر بناب است. ناهنجاری‌های اجتماعی برخاسته از حاشیه‌ها در مقایسه با بدنه اصلی شهرها ابعاد گسترده‌تری دارد و در مواردی آسیب‌های اجتماعی را تعریف می‌کند. رشد بزهکاری، پرخاشگری،

اعتیاد، دزدی، قاچاق مواد مخدر و کار کودکان از جمله آسیب‌های اجتماعی است که در مورد پدیده حاشیه‌نشینی در محلات شهر بناب می‌توان بر آن تأکید کرد. تعارض خرده فرهنگ‌ها، خصومت و جریحه دار شدن غیرت و آبرو و نزاع‌های اتفاقی و اعتیاد از جمله علل وقوع قتل است. این علل و عوامل به روشنی در مناطق حاشیه‌ای قابل رؤیت است. حاشیه‌نشین‌ها وقتی از روستا یا مبدا زندگی خود به مناطق شهری یا نهایتاً مناطق حاشیه شهری می‌آیند، فرهنگ اصیل و بومی خود را می‌آورند، ولی شرایط زندگی در چنین مناطقی با فرهنگ‌های مختلف برخی از ناهنجاری‌ها را به آنها آموزش می‌دهد. مناطق حاشیه‌نشین به عنوان قسمت‌های تاریک و نمدار یک شهر به حساب می‌آید که کنترل قانونی زیادی بر آنها نیست. برخی از خدمات انتظامی، آموزشی، شهری و غیره که در سایر نقاط شهری به وفور دیده می‌شود، در این مناطق کمتر است و شاید این مناطق مأمی برای افراد قانون‌شکن و ناهنجار حتی جامعه شهری باشد. همه اینها زمینه را برای افراد فرصت‌طلب مهیا می‌سازد و سبب می‌شود برخی از ناهنجاری‌ها در این مناطق بیشتر دیده شود. البته می‌توان گفت احساس محرومیت شدید هم به این مسئله دامن می‌زند. ویلسون در مطالعه‌ای با عنوان اثرات نابسامانی اجتماعی (۱۹۸۷) بیان می‌کند که فقدان تولیدات دستی و اشتغال‌هایی با مهارت پایین و همچنین مهاجرت‌های پشت سرهم کارگران و خانوارهای طبقه متوسط، پیامدهای اقتصادی، فرهنگی، فردی، بوم‌شناختی دارد و از نظر اقتصادی، شهری دسترسی به فرصت‌های اقتصادی رسمی دارند. از نظر فرهنگی این افراد به دلیل ارزش‌های کاربرد برای موقعیت اجتماعی آنها از ارزش‌های اساسی دست می‌کشد، مناطق حاشیه‌ای از نظر بوم‌شناختی، به انزوای اجتماعی گرفتار شده‌اند. به طوری که دقیقاً به صورت مرکز نامتناسب و به هم ریخته‌ای از برش‌های معیوب جمعیت شهری در آمده‌اند که بیشتر با انسان‌هایی که موقعیت مشابه دارند کمتر نمایانگر جمعیت گسترده پایتخت هستند، ارتباط دارند. از نظر فردی نیز کمتر در معرض مستقیم امکانات متفاوت برای رشد فردی قرار می‌گیرند. طبق مطالعات ویلسون، نوجوانان شهری از نواحی کم درآمد یا جوانان گتوها، کمتر در معرض یک موازنه بین سازمان‌بندی اجتماعی و نابسامانی‌های اجتماعی هستند. در مقابل نابسامانی اجتماعی به صورت هنجار درآمده است (Wilson, 2010).

راهبردهایی که برای حل مشکلات حاشیه‌نشینی در محدوده مورد مطالعه شناسایی شده عبارت است از: ۱) رویکرد سلبی (کنترلی) ۲) رویکرد ایجابی یا توسعه متوازن ۳) ایجاد زمینه لازم در جهت دسترسی به خدمات فرهنگی و اجتماعی ۴) اشتغال آفرینی ۵) توانمندسازی مانند فراهم کردن کارگاه‌های مهارت زندگی ۶) تقویت بنیان‌های اقتصادی، اجتماعی خانواده با تأکید بر مسکن و اشتغال ۷) تأکید بر خودیاری و مشارکت ساکنان ۸) ایجاد شهرک‌های اقماری کم درآمد نشین ۹) بهسازی محله‌های حاشیه‌نشین (باز سازی و توسعه مجدد)

نتایج به دست آمده از مقایسه تطبیقی حاصل از مصاحبه‌های انجام شده در سه محله شهر بناب (شامل آغداش، دیزج شمالی و دیزج جنوبی) حاکی از آن است که، آسیب‌های اجتماعی عمده در محله آغداش شامل نبود بهداشت، وجود فضولات حیوانی، اختلاف فرهنگی زیاد بوده است، همچنین مهاجرین بیشتر از میاندواب بودند و به خاطر وجود دامداری از نظر مالی زیاد فقیر نبودند فقط وجود فضولات حیوانی در هر گوشه از محل باعث عدم رضایت ساکنین این محله شده است. ساکنان منطقه دیزج شمالی (محله آلمالو) از نظر مالی بسیار فقیر بودند، در این محله مواد مخدر به راحتی قابل دسترس بود و در هنگام مصاحبه نزدیک به ۲۰ نفر خرید و فروش مواد مخدر انجام شد دعوای زیادی در این محل صورت می‌گرفت که باعث سلب آرامش و آسایش ساکنین آن شده بود و افراد مهاجر بیشتر از عجب شیر آمده بودند. اما در منطقه دیزج جنوبی (محله ایران گاراژ) مشکل مالی زیادی به چشم نمی‌آمد فقط وجود فروشنده‌های مواد مخدر که در سه راهی که به سه راه زاهدان معروف است و محلی ایده‌آلی برای افرادی که می‌خواهند مواد تهیه کنند می‌باشد. وجود قتل‌های با سلاح گرم و خودکشی‌های زیادی که در این منطقه رخ داده است باعث شده که ساکنین چون زنان و کودکان احساس امنیت نکنند. مهاجرین این منطقه از کردستان سقز و بوکان بوده است که اکثراً به شغل کارگری مشغول بوده‌اند.

در هر سه منطقه ذکر شده ترک تحصیل به ویژه پسران نوجوان دیده می‌شود. دسترسی آسان به مواد مخدر و استفاده نوجوانان این مناطق از مواد مخدر و مشروبات الکلی، بزهکاری، نزاع و درگیری‌های متعدد، اختلافات فرهنگی زیاد که ناشی از مهاجرت‌های گسترده به این مناطق بوده است. شاو در پژوهشی (۲۰۱۲) جرائم شهری را تحت تاثیر فضای مناطق خاص شهری می‌داند. وی با استناد به آمار و اطلاعات مناطق خاص شهری نشان داد که در مناطق حاشیه‌ای سنت‌های عرضی نهادهای محلی ای افکار عمومی که از طریق آن محل‌ها رفتار افراد را کنترل می‌کنند. همچنین، مناطق حاشیه‌ای، فرصت‌های متعددی را برای فعالیت مجرمان از جمله خرید و فروش مواد مخدر، مشروبات الکلی، اعمال خرابکارانه و متجاوزانه و منافی عفت و ... در اختیار مجرمان قرار می‌دهند. و فعالیت‌های بزهکارانه در این مناطق از همان سنین کودکی به عنوان بخشی از بازی‌ها شروع می‌شوند (Shaw & Mckay, 2012). با توجه به یافته‌های تحقیق و مقوله‌های استخراج شده، راهکارهایی که با تکیه بر آنها بتوان آسیب‌های اجتماعی ناشی از حاشیه‌نشینی را کنترل کرد به شرح زیر قابل ارائه هستند.

- 0 حل معضلات بیکاری و ایجاد زمینه‌های اشتغال مولد و پویا در شهرها و روستاهای مبدا مهاجرت (ایجاد اشتغال و کارآفرینی برای حاشیه‌نشینان)
- 0 احداث کارگاه‌های کوچک در نزدیکی شهرهای بزرگ برای رفع بیکاری خانوارهای حاشیه‌نشین.
- 0 تامین مسکن افراد از طریق ساخت مسکن یا پرداخت وام‌های بلند مدت با بهره کم
- 0 ایجاد فضاهای تفریحی و فراغتی سالم جهت پر کردن اوقات فراغت ساکنین این مناطق

- 0 تاکید بر خودیاری و مشارکت ساکنان در بهسازی و سازماندهی محلات حاشیه‌نشین
- 0 ارائه آموزش‌های شغلی ارزان و در دسترس جهت تخصص‌یابی نیروهای جوان فعال و بیکار این مناطق.
- 0 همکاری به انسجام بین مدیران و مسئولان شهری در برخورد با مدیریت صحیح مسئله حاشیه‌نشینی
- 0 ایجاد نظامی جهت بهره‌مندی حاشیه‌نشینان از شبکه‌های زیربنایی و خدمات شهری، آموزشی و بهداشتی و غیره.
- تلاش مدیریت استانی و شهرستانی در جهت هدایت سرمایه‌های ملی و خصوصی بر اساس توزیع عادلانه منابع و امکانات مادی (افزایش نظارت و تلاش برای ارتقای سطح فرهنگی و اجتماعی، به رسمیت شناختن حقوق شهروندی برای ساکنان مناطق حاشیه‌نشین)



منابع

- امیری، مجتبی، پورموسوی، سیدموسی و صادقی، منصوره. (۱۳۹۲)، مطالعه آسیب‌های اجتماعی ناشی از حاشیه‌نشینی در منطقه ۱۹ شهرداری تهران از دیدگاه مدیران شهری. **اقتصاد و مدیریت شهری**. ۲(۵): ۱۱۹-۱۳۷.
- ایراندوست، کیومرث (۱۳۹۵)، **سکونت‌گاه‌های رسمی و اسطوره حاشیه‌نشینی**، تهران، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران).
- پیران، پرویز (۱۳۸۰)، تحلیل جامعه‌شناختی از مسکن شهری در ایران، **نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران**، شماره ۶، ۲۷-۴۸.
- حاج یوسفی، علی (۱۳۸۲)، حاشیه‌نشینان شهری و فرایند تحول آن (قبل از انقلاب اسلامی)، **هفت شهر**، ۱(۸)، ۱۲-۲۴.
- حیدری نوشهر، مهری، و نظریان، اصغر. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی و بازتاب‌های آن، با تأکید بر کاربری خدمات شهری (مورد: شهر یزد). **فصلنامه جغرافیایی سرزمین**، ۸ (شماره ۱ (پیاپی ۳۱))، ۳۱-۵۰.
- ربانی، رسول، عریضی، فروغ‌السادات، وارثی، حمیدرضا و حسینی، محمدرضا. (۱۳۸۵). بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مسأله حاشیه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی آن در شهر اهواز. **جغرافیا و توسعه**، ۷(۴)، ۸۹-۱۱۴
doi: 10.22111/gdij.2006.3801
- رضایی، محمدرضا و کمانداری، محسن. (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل علل شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در شهر کرمان نمونه مورد مطالعه: محلات سیدی و امام حسن، **برنامه‌ریزی فضایی**، ۴(۴)، ۱۷۹-۱۹۶.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۷۱)، **جمعیت و شهرنشینی در ایران**، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- زنگی‌آبادی، علی، مبارکی، امید (۱۳۹۱)، بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی شهر تبریز و پیامدهای آن (مطالعه موردی: محلات احمدآباد، کوی بهشتی، خلیل‌آباد)، **جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی**، ۲۳(۱)، ۶۷-۸۰.
- سجاسی قیداری، حمدالله، صادقی، فخری، و قسمتی، لیلا. (۱۳۹۳). راهکار راهبردی کنترل رشد حاشیه‌نشینی در مناطق شهری مطالعه موردی: شهرستان بناب. **جغرافیا و توسعه فضای شهری**، ۱(۲)، ۷۷-۹۰.
doi: 10.22067/gusd.v1i1.26779
- سهراب‌زاده، مهران، و رضوانی، زهره (۱۴۰۰). فراترکیب مقالات پژوهشی در مورد عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی و پیامدهای آن در بازه زمانی (۱۳۹۸-۱۳۸۸). **مطالعات جامعه‌شناختی شهری**، ۱۱(۳۹)، ۱-۲۸.
doi: 10.30495/uss.2021.686076
- سیدحسین‌زاده‌یزدی، سعید، یعقوبی، علی (۱۳۹۹)، بررسی علل و پیامدهای حاشیه‌نشینی در کلان شهرهای کشور (بررسی موردی: حاشیه‌نشینی در کلان شهر مشهد)، **راهبرد توسعه**، ۱۶(۴)، ۳۲-۶۶.
- شکویی، حسین (۱۳۹۴)، **جغرافیای اجتماعی شهرها (اکولوژی اجتماعی شهر)**، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- عزیزی، فریبا، محسنی، رضا، علی، حضرتی، صومعه زهرا. (۱۴۰۲). بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سکونت‌گاه‌های غیررسمی بر آسیب‌های اجتماعی (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه)، **مطالعات روانشناختی نوجوان و جوان**، ۴(۸): ۱۸۲-۱۹۱.

- علیزاده‌ا قدم، محمدباقر و محمدامینی، حمیده. (۱۳۹۱). تحلیلی بر علل و پیامدهای شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین با نگرش ویژه بر شهر خمین. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱(۲)، ۱۲۱-۱۳۸. doi: 10.22059/jisr.2012.36558
- طالشی، معصومه، امیرفرخ‌ریان، مصطفی (۱۳۹۰). ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی و آینده حاشیه‌نشینی در خراسان رضوی، *جغرافیا (فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیای ایران)*، ۹(۲۹)، ۸۳-۱۰۷.
- کریم‌زاده، حسین، خالقی، عقیل، و ولاتی، محمد. (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی اجتماعی حاشیه‌نشینی کلانشهر تبریز با رویکرد توانمندسازی. *توسعه فضاهای پیراشهری*، ۱(۲)، ۱۵-۳۴.
- محسنی، رضاعلی (۱۳۸۹). مساله حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی با تاکید بر توانمندسازی آن (مطالعه موردی: حاشیه‌نشینان شهر گرگان). *فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیای انسانی*، ۲(۴)، ۱۳۳-۱۵۲.
- نظریان، اصغر، سادین، حسین، زال‌نژاد، کاوه، استقامتی، مهناز، ولیانی، مهدی (۱۳۹۵). بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی مهاجران شهر شهریار در سال ۱۳۸۸. *تحلیل فضایی مخاطرات محیطی*، ۳(۳): ۱۱۵-۱۳۵. doi:10.18869/acadpub.jsaeh.3.3.115
- نعمت‌الهی، سیمین دخت (۱۳۹۴). تحلیل جامعه‌شناختی ناپایداری توسعه شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی کلان‌شهرها (نمونه موردی شهر تبریز). *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی*، ۸(۲۶)، ۳۷-۵۱.
- هادی، الهام، و هادی، الناز. (۱۳۹۷). بررسی روند و عوامل مؤثر در گسترش حاشیه‌نشینی در کلانشهر تبریز. *جغرافیا و روابط انسانی*، ۱(۲)، ۶۳۳-۶۴۹.
- هادی‌زاده بزاز، مریم (۱۳۸۴). *حاشیه‌نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان*، تهران: نشر آذر برزین.
- Adel el, M., Sherine, S., Fadwa, k. (2016). Affordable Housing as a Method for Informal Settlements Sustainable Upgrading. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. Vol. 223. pp. 126-133.
- Akter, T. (2010). Migration and living conditions in urban slums: implication for food security. *The World Bank and Conditionality*. School of Advanced International Studies, John Hopkins University, USA', the Georgetown Public Policy Review, 7(1), 27-42.
- Armiah, B. C. (2012). Slums as expressions of social exclusion: explaining the prevalence of slums in African countries. *United Nations Human Settlements Programme (UN-HABITAT)*. Nairobi. Kenya. Pp 19-20. Retrived from <http://www.oecd.org/dev/pgd/46837274>.
- Claude Bolay, J. (2010). Slums and urban development: Questions on society and globalization. *The European Journal of Development Research*, 18(2), 284-298.
- Flacke, J. Sliuzas, R. (2011). Modeling Informal Settlement Growth in Dar es salaam, Tanzania, FIKRESELASSIE KASSAHUN ABEBE Enschede, The Netherlands, March 2011.
- Howe, A. (2008). Social injury, revisited: Towards a feminist theory of social justice. *International Journal of Sociology and Law*, 15, 423 -438.
- Marwa A. Khalifa. (2015). Evolution of informal settlements upgrading strategies in Egypt: From negligence to participatory development. *Ain Shams Engineering Journal*. 6(4). 1151-1159.
- Melanie, L. (2014). Constructing ordinary places: Place-making in urban informal settlements in Mexico. *Progress in Planning*. Vol. 94. pp. 1-53.
- Rodrigaez, A., Winchester, L ucy, (2005). Cities, democracy & governance in Latin America. *International Social Science Journal*, 48 (147), 73 -83.